

## **گزارش برگزاری دومین میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه**

دومین میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۳۱ در مسکو برگزار شد. جناب آقای دکتر آهنی معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه ضمن ایراد سخنرانی در افتتاحیه میزگرد در آکادمی دیپلماتیک روسیه و ملاقات با رئیس آکادمی، در جمع محققین، دانشجویان و دیپلمات‌های آکادمی به تشریح دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال مهمترین تحولات حوزه پیرامونی پرداخته و به سؤالات حاضرین پاسخ داد. ایشان همچنین با برخی از مسئولین روسی در خصوص مسائل مورد علاقه مذاکره نمود.

در جلسات سه‌گانه میزگرد که تحت عناوین « تحولات جهانی و پیامدهای آن در روابط ایران و روسیه»، « اوضاع افغانستان و پاکستان و تاثیرات آن در امنیت ایران و روسیه» و « روند روابط دوجانبه ایران و روسیه» برگزار گردید، به ترتیب آقایان مرادی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، کلانتری رئیس مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و صدوری رئیس اداره اول مشترک المنافع به تشریح دیدگاه‌های خود پرداختند و از سوی طرف روسی نیز آقایان دکتر الکساندر پیکایف مدیر دپارتمان خلع سلاح، پروفیسور گنادی چوفربین کارشناس ارشد و عضو شورای مدیریت و دکتر سرگی آفونتسف مدیر دپارتمان اقتصادی موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل به ترتیب مطالب خود را ارائه نمودند.

ابتدا آقای بارانوفسکی معاون موسسه ضمن خوشامدگویی به هیأت ایرانی اظهار داشت که دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه نقش مهمی در سیاست خارجی ایران دارد و در موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه نیز کارشناسان

برجسته‌ای گرد آمده‌اند. همچنین در این جلسه از دیگر مراکز تحقیقاتی روسیه نظیر موسسه شرق‌شناسی حضور دارند. میزگرد امروز شامل جلسه افتتاحیه که رؤسای هیات‌ها در آن سخنرانی می‌کنند و سه موضوع: تغییرات جهانی و اثرات آن بر روابط ایران و روسیه، شرایط در افغانستان و پاکستان و مسایل دو جانبه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پس از خوشامدگویی آقای بارانوفسکی، آقای پروفیسور الکساندر دینکین رئیس موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه به ایراد سخنان خود پرداخت. وی گفت: حضور همکاران ایرانی از جمله آقای دکتر آهنی و رئیس دیپارتمان و سفیر محترم ایران افتخار مهمی برای ما می‌باشد. ما برای همکاری‌ها اهمیت زیادی قائل هستیم و در این راستا میزگرد دوم را برگزار می‌کنیم. مسائلی که مطرح می‌شود از اهمیت بالایی برخوردارند.

روسیه برای روابط دوجانبه با ایران اهمیت قائل است. در نظر داریم روابط با ایران را تقویت نماییم. برخی مسایل را از دیدگاه خود مطرح می‌نماییم. در شرایط امروز جهانی، مسائل سیاسی و حل و فصل آنها که از نیمه دوم قرن بیستم به جای مانده اهمیت خود را از دست داده است و برخی اهداف استراتژیک را مطرح می‌کند. من برخی ارزیابی‌های روسیه در مورد ایران را مطرح می‌کنم.

بحث تروریسم و عادی‌سازی شرایط در افغانستان با مشارکت ایران و روسیه مسئله‌ای مهم است و در این موضوع اختلاف نظری وجود ندارد. افغانستان یک مشکل اساسی است و روابط دوجانبه دو کشور در این خصوص اهمیت بسیار دارد. جهان امروز در شرایط بحران جهانی است و برای تمامی صادرکنندگان انرژی اهمیت دارد. امکانات بعضی کشورها و افزایش قدرت برخی قدرت‌های منطقه‌ای شرایط را برای آمریکا محدود کرده است. تغییر دولت در آمریکا در روابط بین‌الملل تاثیر داشته است. به طور طبیعی استراتژی قبلی نمی‌تواند ادامه یابد. آمریکا در هر هفته دو میلیارد دلار در عراق هزینه می‌کند و این ممکن است آنها را ناچار نماید که تجدید نظر نمایند.

در بحث اسرائیل، ناتانیاهو و لیبرمن قدرت به دست گرفته‌اند. امیدواریم اوباما بتواند روابط روسیه - آمریکا و آمریکا - ایران را بهبود بخشد. همچنین امیدواریم در مورد تسلیحات استراتژیک در مسکو به توافق برسیم.

اقدامات ایران و روسیه در خصوص مسئله طالبان بسیار مؤثر بوده است. نمی‌توانم در مورد مناقشه قفقاز سکوت نمایم. منافع ایران در عراق و افغانستان مورد توجه روسیه است. همین‌طور از روند روابط ایران و ارمنستان ابراز خوشنودی می‌کنیم.

در غرب می‌گویند که روسیه می‌خواهد مقابله بین ایران و اروپای غربی ادامه یابد که با این مسئله موافق نیستیم. بر اساس ارزش‌های استراتژیک در قرن ۲۱ پیش می‌رویم. از بازی‌های ژئوپلیتیک باید به سمت دینامیک جدید منتقل شویم. ممانعت از سردی روابط ایران با آمریکا بر روابط بین‌الملل تاثیر خواهد گذاشت. بهبود رابطه ایران و آمریکا به شرکت‌های روسی امکان می‌دهد تا فعالیت بیشتری در ایران داشته باشند و از فعالیت آنها جلوگیری نشود.

روسیه آمادگی دارد در سطح اقتصادی روابط دو کشور ایران و روسیه توسعه یابد. بهبود روابط ایران و آمریکا به واشنگتن اجازه می‌دهد که مقابله با سازمان همکاری شانگهای را کاهش دهد. در مورد خطوط لوله که برای روسیه اهمیت دارد و همین‌طور در مورد گاز ایران که می‌تواند با آن رقابت کند آمریکا می‌تواند با خط لوله صلح و پروژه‌های گازپروم موافقت نماید. بهبود رابطه تهران و واشنگتن بر مسایل منطقه‌ای در پاکستان و افغانستان تاثیر گذار است.

نمی‌توان به گفتگو بین ایران و روسیه در مورد برنامه هسته‌ای در منطقه اشاره نمود. این گفتگوها می‌تواند مشکلات را حل و فصل کنند. در روابط ایران با آژانس و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای روسیه مجبور بوده در برخی اقدامات بین‌المللی شرکت نماید و تحریم‌هایی متوجه ایران شده است. ما اعتقاد داریم که ادامه این بحث‌ها نباید موجب انزوای ایران شود. به هیچ وجه کاربرد نیروی نظامی در قبال ایران برای روسیه قابل قبول نیست که این امر می‌تواند نتایج فاجعه باری به همراه داشته باشد. روسیه حق ایران را به رسمیت می‌شناسد تا پروژه بوشهر به اتمام برسد.

ما در این موسسه معتقدیم با توجه به روی کار آمدن دولت جدید اسرائیل، شرایط در خاورمیانه وخیم‌تر خواهد شد. توافقات گذشته به نتیجه نرسیده است و آمریکا نیز نتوانسته است کاری در این خصوص انجام دهد. ضعف آمریکا در سطح جهانی موجب شد مدیریت جدید آمریکا برخوردهای قبلی را نسبت به ایران نداشته باشد.

پس از اظهارات ایشان، جناب آقای آهنی به ایراد سخنرانی پرداخت که بخش‌هایی از آن به شرح زیر است:

از حضور در موسسه معتبر اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه و آشنایی با مسئولین، اندیشمندان و محققین برجسته آن بسیار خوشنودم. در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، برنامه ریزی و سیاست‌گذاری شرط موفقیت است و این کار بدون تبیین و پیش‌بینی تحولات و روندها امکان‌پذیر نیست و در این مسیر، نقش موسسات تحقیقاتی و همکاری و ارتباطات بین آنها بسیار حائز اهمیت است. از این رو، لازم می‌دانم به همکاری موثر و مفید موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی اشاره نمایم. این همکاری‌ها به عنوان بخشی از تلاش وسیع و موفق دفتر مطالعات در ایجاد ارتباط با موسسات تحقیقاتی معتبر جهان، گام مهمی در شناخت آراء و دیدگاه‌های صاحب نظران و محققین دو کشور نسبت به مهمترین مسائل منطقه‌ای و جهانی است.

در این چارچوب، برگزاری دومین میزگرد مشترک بین دو موسسه ایرانی و روسی از ارزش و اعتبار زیادی برخوردار است. نتایج مثبت میزگرد سال گذشته در تهران، چشم‌انداز روشنی پیش روی ما قرار داده است و غنای مباحث و دانش و تخصص ارائه‌کنندگان مباحث از یک سو و اهمیت موضوعات و ویژگی کاربردی آنان در متن سیاست خارجی دو کشور، ما را به دستاوردهای ارزشمند و اثرگذار میزگرد کنونی کاملاً امیدوار می‌سازد. برگزاری چنین نشست‌هایی می‌تواند هم موجب ارتقاء سطح دانش و درک بهتر محققین و کارشناسان دو کشور از روند تحولات داخلی دو کشور و روابط خارجی آنها موثر باشد و هم به سیاستمداران در اتخاذ رویکردها و راه‌کارهای مناسب تر در قبال موضوعات منطقه‌ای و دوجانبه مساعدت نماید. البته همکاران من در ادامه به بررسی و تحلیل مهمترین موضوعات موجود در دستور کار میزگرد چه در زمینه دوجانبه و چه در حوزه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای خواهند پرداخت لکن اجازه می‌خواهم به اختصار به برخی مسائل اشاره نمایم.

نگاهی به تاریخ روابط دیرینه ایران و روسیه موید آن است که سطح کنونی روابط در تاریخ مناسبات فی مابین دو کشور بی‌سابقه است. تهران و مسکو با اتکاء به ظرفیت‌ها و منافع مشترک، روابط فی مابین را بیش از پیش توسعه داده و به درک مشترک در قبال مهمترین موضوعات موجود در صحنه جهانی و منطقه‌ای نائل شده‌اند.

اگر چه به دلیل ظرفیت‌های گسترده و متنوع و انتظارات موجود، گلایه‌هایی از اتخاذ برخی مواضع در قبال جمهوری اسلامی ایران وجود دارد لکن طرفین توانسته‌اند با ارتقاء سطح رایزنی‌ها و مذاکره در خصوص موضوعات متنوع، در جهت تامین منافع مشترک گام بردارند. اکنون روابط در چارچوب منافع و ارزش‌های سیاسی مشترک و نیز احترام به دیدگاه‌های بعضاً متفاوت دو کشور در قبال برخی موضوعات از روند قابل قبولی برخوردار است. البته باید اذعان داشت که ظرفیت‌های توسعه روابط دو کشور همسایه در حوزه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و دو جانبه بسیار وسیعتر از وضعیت کنونی است که امیدواریم با بهره‌گیری شایسته از این ظرفیت‌ها، به شرایط مطلوب و وضعیتی که مطابق خواست و اراده رهبران دو کشور است نائل شویم.

تحولات و روندهای کلان بین‌المللی و منطقه‌ای در یک دهه گذشته شرایط خاصی را برای دو کشور ایران و روسیه فراهم کرده است که برآیند آن، تقویت جایگاه و ارتقاء نقش بین‌المللی و منطقه‌ای فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. روسیه پس از عبور از شرایط دهه ۹۰ قرن بیستم، موفق شد با بازسازی اقتصادی و اجتماعی موقعیت خود را به عنوان یک قدرت مهم و تاثیر گذار در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای تحکیم بخشد. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به موقعیت استراتژیک، ظرفیت‌های ملی، ثبات داخلی و بهره‌گیری از پیوندهای گسترده خود با دولت‌ها و ملت‌های منطقه، به یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین قدرت‌های منطقه با جایگاهی ویژه تبدیل شده است به نحوی که حل و فصل مسائل و مشکلات منطقه جز با همکاری با جمهوری اسلامی ایران میسر نیست. وجود چنین شرایطی نزد دو کشور و برخورداری از موقعیت برتر در منطقه، تقویت همکاری و هم‌فکری و رایزنی سطح عالی دو کشور در موضوعات بین‌المللی، منطقه‌ای و دو جانبه را بیش از پیش ضروری ساخته است.

در سطح بین‌المللی، ناکارآمدی نظام ادعایی تک قطبی اکنون به اثبات رسیده است و یک جانبه‌گرایی جز ایجاد بحران و بی‌ثباتی در جهان هیچ دستاورد دیگری نداشته است. جمهوری اسلامی ایران بر این اعتقاد است که نظام روابط بین‌الملل بایستی مبتنی بر اصول برابری، احترام متقابل و متکی بر حقوق بین‌الملل عادلانه و نفی رویکرد زور محورانه و نظامی‌گرایانه استوار باشد. نظام بین‌المللی جدید بایستی مانع از توسعه طلبی و یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌های بزرگ و سوء استفاده سیاسی و بهره‌برداری یکطرفه و منفعت

طلبانه از سازمان‌های بین‌المللی در خدمت سیاست خارجی یک کشور یا یک قدرت خاص گردد. نگاهی به اسناد استراتژی سیاست خارجی و امنیت ملی روسیه نشان می‌دهد که مواضع جمهوری اسلامی ایران و روسیه در این رابطه بسیار به یکدیگر نزدیک است. یکی از مهمترین حوزه‌های همکاری میان دو کشور، موضوعات منطقه‌ای است. نفوذ جمهوری اسلامی ایران و نقش موثر آن در استقرار ثبات و آرامش در خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای غربی و آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی غیر قابل انکار است. دو کشور سابقه همکاری موثر و سازنده در بحران تاجیکستان را در تاریخ روابط خود دارند و این در حالی است که اعتبار و موقعیت منطقه‌ای کنونی جمهوری اسلامی ایران در قیاس با سال‌های ابتدائی دهه ۱۹۹۰، بسیار مستحکم‌تر گشته و جایگاه شایسته و رابطه حسنه خود با کشورهای منطقه به همراه موقعیت ژئوپلیتیک و ظرفیت‌های آن در بخش‌های انرژی و حمل و نقل، جایگاه منحصر بفردی را نصیب ایران کرده است.

نکته حائز اهمیت آن است که مناطق بحرانی عمدتاً در همسایگی بلافصل ایران و روسیه قرار داشته و امنیت مرزهای هر دو کشور را تهدید می‌کند. بر این اساس، موضوعاتی نظیر ادامه مناقشات مرزی و قومی، گسترش حضور سازمان‌های نظامی و امنیتی فرامنطقه‌ای، گسترش تروریسم و افراط‌گرایی و عقاید انحرافی در مناطقی نظیر آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای غربی و خاورمیانه، مایه نگرانی و هم‌زمان، موضوعاتی برای همکاری مشترک خواهند بود. از سوی دیگر، واقعیت‌های کنونی منطقه بیانگر آن است که طرح‌ها، برنامه‌ها و اقدامات قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مناطق هم‌جوار ایران و روسیه نه تنها به حل و فصل مسائل و بحران‌های این حوزه منتهی نشده بلکه بر پیچیدگی این بحران‌ها و بی‌ثباتی در منطقه افزوده است. به اعتقاد ما، ارتقاء سطح رایزنی‌ها و تهیه یک دستور کار و نقشه راه مشخص بین دو کشور برای همکاری در مسائل منطقه، به کاهش تنش در منطقه مساعدت می‌نماید.

در بخش دوجانبه، خوشبختانه روند روابط علی‌رغم برخی فراز و نشیب‌ها از روند مثبتی برخوردار است. در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رایزنی و همکاری‌های سودمندی در حال انجام است. با این حال، برخی نقاط ابهام و گلایه آمیز نیز وجود دارد که توجه جدی به آنها ضمن رفع ابهامات موجود، شرایط توسعه هر چه بیشتر روابط را فراهم خواهد کرد.

در خصوص برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، گرچه روسیه همواره در جلسات شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت تلاش نموده تا از شدت و وسعت تحریم‌ها بکاهد اما همراهی روسیه با آمریکا و اروپا در اعمال فشار بر ایران برای انصراف از حق قانونی خود در غنی‌سازی صلح آمیز اورانیوم و موافقت با ارجاع موضوع به شورای امنیت، به طور جدی مورد سوال افکار عمومی در جمهوری اسلامی ایران است و آن را غیرقابل قبول و غیر قابل توجیه می‌دانند.

تردیدی نباید داشت که جمهوری اسلامی ایران بر حق مشروع و قانونی خود در بهره‌گیری از دانش هسته‌ای پایداری خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران مکرراً ادعای برخی کشورها مبنی بر تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را انکار نموده و این اتهام و ادعا تاکنون در هیچ مرجع قانونی بین‌المللی به اثبات نرسیده است.

با این حال، امیدواریم در مذاکرات آتی با گروه کشورهای ۵+۱ و بر اساس بسته پیشنهادی ما که در حال آماده شدن است، به راه حل مناسبی دست یابیم که هم متضمن حقوق قانونی ملت ایران برای دستیابی به دانش صلح آمیز هسته‌ای باشد و هم اعتماد لازم را نسبت به صلح آمیز بودن اهداف برنامه هسته‌ای ایران ایجاد نماید.

پس از سخنرانی جناب آقای آهنی و آقای دینکین، جلسات سه گانه همایش برگزار گردید. در جلسه نخست که تحت عنوان " تحولات اخیر جهانی و تاثیر آن در روابط ایران و روسیه "، به ترتیب آقایان الکساندر پیکایف و منوچهر مرادی به ارائه مطلب پرداختند. آقای پیکایف اظهار داشت: ورود اوباما به حکومت آمریکا انتظارات زیادی را ایجاد کرد. رئیس جمهور جدید آمریکا پدیده جدیدی است و می‌تواند تاثیر زیادی بر کشورهای آفریقایی و در حال توسعه بگذارد. در اروپا هم یک اوباما در پارلمان‌ها ایجاد شده ولی می‌گویند اوباما تغییر خواهد داد. فکر می‌کنند آمریکا سیاستی را پیش خواهد گرفت و انتظارات را برآورده خواهد کرد. اوباما یک عامل سیاسی است زیرا در دوران بوش انتقاد از آمریکا به یک عادت تبدیل شده بود ولی اکنون امیدوارند اصلاحات ظاهری صورت پذیرد. صحبت شدید علیه اوباما موجب تخریب آنها خواهد شد. البته صحبت‌های ضد آمریکایی مقداری نرم شده است.

مطلب دوم این است که انتخاب اوباما موجب اختلاف شدید در جامعه آمریکا شده است. در نظر سنجی‌ها دمکرات‌ها اعمال اوباما را تایید می‌کنند ولی بقیه هیات حاکمه او را تایید نمی‌کنند از جمله در کانال فوکس علیه او صحبت می‌شود. مطلب دیگر این است که

کنگره ممکن است به تدریج علیه اوباما وارد عمل شود. این مسئله مهم است زیرا اکثریت جمهوری خواهان در یکی از مجالس آمریکا می تواند موجب تخریب تلاش اوباما برای بهبود در رابطه با ایران شود و شاید حادثه ۱۹۹۰ در مورد کره شمالی را شاهد باشیم که سیاست کلینتون با تخریب کنگره مواجه شد. کنگره تلاش می کند تا در سیاست خارجی آمریکا وارد شود. همانطور که انگلیسی ها گفتند یک فرصت ۱۵ ماهه وجود دارد .

مطلب سوم این است که دستگاه اوباما سعی می کند فاصله با دولت بوش را در سیاست خارجی کاهش دهد. چهره های بلند پایه ای مثل رابرت گیتس که از دولت بوش است مشهور هستند و رابطه ویژه با روسیه و ایران داشته اند. آنها مسئول انفعال آمریکا در قبال ایران و روسیه هستند. دیگران که موجب نگرانی هستند ولی وارد دولت نشده اند. البته آنها دیدگاه منفی نسبت به روسیه دارند. برخی سیاست ها اعمال می شود که عاقلانه نخواهد بود . البته می گویند که سیاست های جدید در مورد روسیه به نتیجه نخواهد رسید. در مورد ایران دولت کلینتون تصمیم مهم و مشکلی را گرفت و وحشت داشت که با ایران مذاکره کند. اما اوباما تصمیم گرفت این کار را بکند و این کار می تواند موجب ثبات منطقه شود و در عراق و افغانستان می تواند مفید باشد و نشانه رشد منطقه ای ایران است. ایران در منطقه اقتدار پیدا کرده است. مذاکره با ایران موفقیت دیپلماسی ایران و پیروزی عقل سلیم است. ایران باید در جهت منافع خود عمل نماید. آمریکا در افغانستان و عراق گیر کرده است. آمریکا از شکست در منطقه هراس دارد و مذاکره آنها با ایران اجتناب ناپذیر است. بدون ایران خروج از عراق و از دست ندادن وجهه خود مشکل است و آمریکا در مذاکره با ایران موضع ضعیفی دارد. آمریکا به چیزهای زیادی از ایران نیاز دارد. بحث هسته ای، حمایت از حزب اله مسایل مشکلی است و توازن قوا به سود آمریکا تغییر نیافته است.

البته در چشم انداز جهان چند قطبی فراز و نشیب های زیادی می تواند وجود داشته باشد. در کوتاه مدت، خروج آمریکا از عراق فرصت های ایران را افزایش خواهد داد. این فرصت برای آمریکا هم بیشتر خواهد شد و نیروهای آنها آزاد می شوند و ممکن است موجب تقویت موضع آمریکا علیه ایران و استفاده از روند زور علیه آن شود که برای ایران نامطلوب است. در کوتاه مدت زمان به نفع آمریکا است. روسیه و ایران ممکن است با آمریکای لجوج مواجه شوند. باید تلاش کنیم مصالحه ای ایجاد کنیم.

سخنران دوم این جلسه، آقای مرادی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز بود که به بعد بین‌المللی روابط ایران و روسیه و تلاش امریکا برای تاثیرگذاری در روابط ایران و روسیه پرداخت. ایشان با برشمردن سه عنصر اساسی در روابط تاریخی ایران و روسیه یعنی عنصر بین‌المللی و کشور ثالث، غلبه ماهیت سیاسی و امنیتی بر روابط دو کشور و نهادینه نشدن روابط به دلیل حافظه تاریخی، عنصر بی‌اعتمادی میان دو کشور، بعد بین‌المللی روابط را به دلایل تاریخی و موضوعی حائز اهمیت دانست. در بعد تاریخی، در تاریخ ۵۰۰ ساله روابط همواره یک عنصر و ملاحظه بین‌المللی وجود داشته که روابط دوجانبه را تحت تاثیر قرار داده است و در بعد موضوعی، به دلیل بین‌المللی بودن ایران و روسیه، دستور کار روابط دو کشور از چارچوب دوجانبه فراتر رفته و به جز برخی موضوعات محدود اقتصادی و فرهنگی، دیگر تعاملات دو کشور نظیر بحث نیروگاه بوشهر، همکاری‌های دفاعی، انتقال فناوری، اوپک گازی، همکاری‌های منطقه‌ای نظیر افغانستان، همکاری‌های سیاسی و ... از ماهیت بین‌المللی برخوردارند.

بنابر این تاثیر عنصر سوم و بعد بین‌المللی بر روابط موضوع جدیدی نیست و در عصر معاصر به ویژه پس از فروپاشی شوروی و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این دخالت به شیوه‌های مختلف ادامه یافته است. در شرایط جاری نیز تلاش امریکا بر آن است تا به انحاء مختلف بر روابط ایران و روسیه تاثیر بگذارد لکن توفیق در این سیاست به سه عامل مهم یعنی نگاه امریکا به روسیه، گفتمان جدید اوباما با ایران و اهمیت روابط با ایران برای روسیه بستگی دارد.

در خصوص عامل نخست، در درون آمریکا هنوز بر سر مسئله چگونگی رفتار با روسیه بر سر دوراهی است. مخالفین روسیه معتقدند باید در مقابل روسیه ایستاد زیرا روسیه در پی اعاده موقعیت ابرقدرتی عصر جنگ سرد است. از دیدگاه آنان، اختلافات اساسی در روابط روسیه و غرب وجود دارد که شامل دیدگاه متفاوت نسبت به نظم جهانی، اختلاف نسبت به جایگاه روسیه در نظام امنیتی اروپا، اختلاف بین ارزش‌های غربی و ارزش‌های روسی (دموکراسی، آزادی‌های سیاسی، تحزب و بطور کلی دموکراسی روسی و دموکراسی غربی) و تضاد ژئوپلیتیک (بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به اهداف هر یک در مناطق پیرامونی).

واقع گرایان معتقدند باید رابطه بهتری با روسیه برقرار نمود. از دیدگاه آنان، امریکا برای حل مسائلی نظیر امنیت بین‌المللی و مقابله با تهدیداتی همچون سلاح کشتار جمعی، تروریسم، افراط گرایی و ... می‌بایست رابطه جدیدی را با روسیه برقرار نماید. با این حال، دیدگاه‌های واقع گرایان که در گزارش‌هایی نظیر گزارش مرکز نیکسون قابل مشاهده است، معطوف به تامین منافع منطقه‌ای و جهانی امریکا است که با نگاهی ابزاری به روسیه، بر دو پایه اساسی مبتنی است: نخست، نیاز غرب به همراهی روسیه در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و دوم این که روسیه می‌تواند شرایط را برای امریکا در منطقه پیچیده و هزینه‌ها را بیشتر نماید. بر این اساس، گسترش روابط آمریکا و روسیه تامین کننده منافع اساسی آمریکا است. عرصه‌های این همکاری نیز بر اساس گزارش نیکسون، موضوعاتی نظیر جلوگیری ایران در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، نابودی تروریسم، تامین ثبات در افغانستان و تضمین امنیت و پیشرفت در اروپا. از دید آنها، ایجاد یک روابط جدید مبتنی بر همکاری و تعامل با روسیه می‌تواند منجر به موفقیت در دستیابی به هر یک از اهداف مذکور و حل مسائل دیگر خواهد شد ولی عدم موفقیت در گسترش این روابط می‌تواند هزینه‌های سنگینی را به همراه داشته باشد.

نکته اساسی این است که حوزه‌های مورد علاقه امریکا برای همکاری با روسیه چندان برای روسیه حائز اهمیت استراتژیک نیست زیرا نگرانیهای روسیه در قبال امریکا موارد دیگری است. مهمترین نگرانی روسی، ساختار امنیتی موجود در اروپا است که به زعم مسکو همچنان ساختار جنگ سردی است. روسیه در پی تغییر ساختار امنیتی اروپا و تعریف مجدد جایگاه روسیه در آن است. آیا امریکا آمادگی دارد این ساختار را تغییر دهد؟ از سوی دیگر، فضای کلی روابط منفی است و اختلافات حل نشده بین دو کشور بسیار است. کاراگانف معتقد است که در طول ۳۵ سال گذشته، تنها در فاصله سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ رابطه دو کشور از وضعیت کنونی بدتر بوده است. ممکن است دو کشور در برخی مسائل به لحاظ تاکتیکی مانند تروریسم، خلع سلاح اشتراک نظر داشته باشند. اما دو کشور در استراتژی اختلاف دارند. در روسیه هم هر چند از روی کار آمدن اوباما استقبال شده است لکن نسبت به سیاست‌های جدید امریکا شک و تردید وجود دارد.

در مورد عامل دوم یعنی گفتمان جدید دولت امریکا نسبت به ایران، به دلیل آن که ایران هم اکنون به عنوان کشوری دارای نفوذ و یک قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا و

خاورمیانه محسوب می‌شود، امریکا خود را ناچار به تغییر رفتار نسبت به ایران دیده است. این رویکرد سه ویژگی دارد؛ معطوف به منافع ملی امریکا است، مبتنی بر نیاز امریکا به ایران است و برای تحقق آن مسیر تعامل و گفتگو با ایران به عنوان خط مشی مناسب انتخاب شده است.

بنابر این بنظر می‌رسد امریکا در قبال ایران، بازی دوگانه‌ای را در پیش گرفته که از یک سو با فشار بر روسیه سعی در محدود کردن روابط تهران-مسکو دارد و از سوی دیگر تلاش دارد تا مشکلات خود با ایران را به صورت دوجانبه حل و فصل نماید.

در مورد عامل سوم یعنی اهمیت روابط با ایران برای روسیه، اهمیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه‌ای که برای روسیه بسیار حائز اهمیت است. ایران به عنوان یک کشور کلیدی در منطقه و جهان اسلام برای روسیه است. روسیه همچنان در مهمترین موضوعات منطقه‌ای نظیر خزر، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز و مبحث انرژی که برای روسیه حائز اهمیت حیاتی است به ایران نیازمند است. لذا اهمیت روابط با ایران برای روسیه به دلایل ژئوپلیتیک و اقتصادی مانع از هر گونه معامله روسیه با غرب بر سر ایران خواهد شد. روسیه باید به پاسخ این سوال بیندیشند که از همکاری با امریکا علیه ایران چه بدست خواهد آورد و چه از دست خواهد داد؟

جلسه دوم میزگرد به تحولات افغانستان و پاکستان اختصاص پیدا کرد و دو سخنران یعنی آقایان گنادی چوفرین و جلال کلانتری به ارائه مطلب پرداختند.

ابتدا آقای چوفرین گفت: مناقشه در افغانستان دومین مناقشه طولانی پس از جنگ ویتنام می‌باشد. امریکا چه هدفی را دنبال می‌کند؟ اوباما در ۲۷ دسامبر اظهار داشت که مبارزه با القاعده و جلوگیری از بازگشت طالبان و مساعدت به بازسازی افغانستان و حمایت از توسعه اقتصادی این کشور دو هدف اساسی امریکا است. اما همه حقیقت نیست و نباید فراموش کرد که حضور امریکا در افغانستان فقط برای مبارزه با القاعده نبود، بلکه اهداف دیگری داشت و آن ایجاد یک سکوی راهبردی برای امریکا بود تا در شرایط خاص به ایران فشار آورد. تاثیر جدی بر تحولات آسیای مرکزی و اعمال نفوذ در بر مسیرهای حمل و نقل و ذخایر انرژی از دیگر اصول مهم راهبردی امریکا بود.

همزمان با تحولات، مسئله تهدیدات هسته‌ای بود که البته نه بحث ایران بلکه امریکا آشکارا اعلام می‌کند تهدید هسته‌ای در پاکستان است. عملیات نظامی در ۴۰ کیلومتری

اسلام آباد و ۱۰۰ کیلومتری مرکز استحصال اورانیوم و در نزدیکی دو راکتور پلوتونیوم پاکستان در حال انجام است.

اگرچه رهبران پاکستان می‌گویند امنیت هسته‌ای را تضمین می‌کنند ولی اوضاع مناسب نیست و احتمال زیاد وجود دارد که به دست نیروهای تندرو از جمله القاعده بیافتد. این یک واقعیت است. آمریکا یک هدف دارد. آنها در ابتدا می‌گفتند که می‌خواهند حضور نظامی خود را در افغانستان افزایش دهند. اما مناقشه دارد به پاکستان منتقل می‌شود. به کشوری که امکان حضور نظامی آمریکا به لحاظ حقوقی در آنجا وجود ندارد. آمریکا حملات هوایی می‌کند ولی باعث ناراحتی پاکستانی‌ها شده است.

آمریکا تلاش می‌کند تا روحیات رهبران نظامی را عوض کند و آنها برخی نیروهای خود را به مبارزه با طالبان اختصاص دهند و آمریکا موفق شد این کار را انجام دهد. نیروهای درگیر، نظامی هستند و نیروهای ضد تروریستی نیستند بلکه نظامیان عمومی هستند که تلفات بالا در میان غیر نظامیان ایجاد می‌کنند. تعداد آوارگان بیش از ۱/۵ میلیون نفر شده است. این امر باعث نارضایتی اجتماعی شده است. وضعیت باعث شده تا آمریکا از نوعی استراتژی که AFGPAK نام گرفته است در افغانستان پیروی کند.

توازن آمریکایی چیست؟ آنها از ابزار مختلف استفاده می‌کنند و با افزایش تعداد نیروهای نظامی، حمایت مالی از افغانستان، برقراری دیالوگ با بخش‌های متعادل طالبان، مذاکره با حکومت کابل و رهبران قبایلی که موضعی خنثی دارند، تلاش می‌کنند ائتلافی را از کشورهای آسیایی درست کنند که فعالانه در رفع تهدیدات فعال باشند. کار دیگر آمریکایی‌ها تغییر کادر در بین نظامیان آمریکایی است اما این اقدامات هیچ تغییری در بهبود وضعیت آمریکا ایجاد نکرده است. تغییر تاکتیک آمریکا موجب افزایش تلفات آمریکاییها شده است و انعکاس سیاسی در آمریکا خواهد داشت. اوپاما که به آرامی تصمیمات خود را اجرا می‌کند، احتمالاً بعد از ۲ سال دچار مشکل خواهد شد. وی در افغانستان به شرطی می‌تواند پیروز شود که کنترل شدیدی بر مرز افغانستان و پاکستان ایجاد کند.

حوادث اخیر حاکی است که اروپایی‌ها علاقه‌ای به پیروی از سیاست آمریکا ندارند. به همین خاطر در ساختار سیاسی آمریکا در میان دشمنان سیاسی آمریکا این روحیات دارد ایجاد می‌شود که به اهداف محدود در آمریکا راضی شود. آنها می‌گویند افغانستان نمی‌تواند

ایالت ۵۱ باشد و بلکه باید دموکراسی و حداقل امنیت برقرار شود. آمریکا باید بپذیرد که افغانستان یک کشور متمرکز نخواهد بود و رهبران مستقل در برخی مناطق حضور داشته باشند.

اکنون به طور کلی در مورد استراتژی آمریکا در افغانستان و پاکستان بحث جدی است تا چگونه به اهداف دست یابند. آمریکا به طور عینی باید تلاش کند تا با دیگر کشورها رابطه برقرار کند و با روسیه این مذاکرات در حال انجام است. در مورد ترانزیت کالاهای غیر نظامی و احتمالاً در مورد کالاهای نظامی هم این مذاکرات انجام خواهد شد. گفته می‌شود که اوباما در پی مذاکره مستقیم با ایران است. این موضوع می‌تواند موضوع مورد بحث بین ایران و آمریکا باشد. با تلاش جمعی می‌توان به اهداف قابل دسترسی نائل شد و در نتیجه آن و عملیات ضد تروریستی در افغانستان و پاکستان می‌توان به نتایجی دست یافت. حضور آمریکا و پایگاه‌های نظامی می‌تواند آنها را به اهداف مورد نظرشان برساند.

سخنران دوم این جلسه، آقای کلانتری "تحت عنوان بحران افغانستان و پاکستان و لزوم تدوین راهبرد مشترک منطقه‌ای" به تشریح وضعیت افغانستان و پاکستان پرداخت. در افغانستان، ادامه و تشدید وضعیت خطرناک امنیتی با گسترش دامنه نفوذ طالبان و القاعده به پایتخت، شکست استراتژی نظامی آمریکا در افغانستان، شکست سیاست مبارزه با مواد مخدر به علت عدم انسجام و عدم جدیت نیروهای خارجی و بهره برداری‌های خاص خود، روند رو به گسترش یاس و ناامیدی مردم به بهبود اوضاع، معضلات امنیتی در ناحیه مرزی دو کشور افغانستان و پاکستان و گسترش تروریسم و افراط گرایی از مهمترین شاخصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی این کشور است.

تجربه ۷ سال گذشته در افغانستان ثابت نموده است که برخورد نظامی برای مقابله با تروریسم و افراط گرایی کافی نیست و باید راه حلی جامع اندیشیده شود. آنچه امروز خطر طالبان را عمده می‌کند آن است که این گروه با اهداف القاعده حرکت می‌کند و اهدافش محدود به افغانستان نمی‌شود. تقسیم بندی طالبان به طالبان بد و خوب ایده انحرافی برخی کشورها با هدف رهایی از مشکلات و بهره برداری‌های سیاسی و امنیتی است. جلوگیری از شیوع تفکر القاعده و طالبان در منطقه، همکاری نهادینه کشورهای منطقه را می‌طلبد. این زمینه مناسبی برای همکاری‌های دو کشور ایران و روسیه می‌تواند باشد.

در خصوص استراتژی جدید آمریکا، استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲، عامل عمده شکست غرب در افغانستان است. این نگاه در استراتژی جدید تعدیل شده است. توجه به علل عدم موفقیت غرب در طی ۷ سال گذشته، پرداختن یک پارچه به معضل افغانستان و بحران پاکستان، نگاه جمعی به حل و فصل آن از نکات مهم این استراتژی است. سکوت در مورد زمان خروج نیروهای آمریکایی از نکات منفی این استراتژی است. عدم توجه به این امر با واقعیات تاریخی و روحیات روانشناختی مردم افغانستان و تجربه تلخ غرب در افغانستان طی ۷ سال گذشته منطبق نیست. آمریکا بدنبال تقسیم هزینه‌های خود در افغانستان و پاکستان با شرکای خود و کشورهای منطقه است. پیشبرد این هدف نیازمند توجه جدی به ملاحظات کشورهای منطقه می‌باشد. آمریکا با استفاده از وضعیت حاصله بدنبال فشار بر پاکستان جهت کنترل بر تجهیزات اتمی این کشور است. گسترش منطقه عملیاتی به دیگر مناطق پاکستان نظیر بلوچستان، به حل مشکل کمک نکرده، بلکه حل و فصل آن را پیچیده می‌کند.

در مورد پاکستان، محاسبات غلط آمریکا و پاکستان و برخی کشورهای عربی در تشکیل و حمایت از طالبان عامل بحران کنونی پاکستان است. علی‌رغم همراهی با آمریکا در پی حادثه ۱۱ سپتامبر و توافقات کنفرانس بن، سیاست پاکستان و یا حداقل برخی از عناصر تاثیرگذار حکومت این کشور در جهت جلوگیری از دوام و قوام دولت افغانستان بوده است. افزایش قدرت طالبان و گسترش حوزه جغرافی نفوذ آن در پاکستان از جمله ایالات سند، پنجاب و بلوچستان هشدار دهنده است.

حل مشکلات در پاکستان نیازمند ثبات ساختار سیاسی و حکومتی در این کشور است. جایجایی مکرر دولت‌ها در این کشور از دهه ۹۰ به بعد بی ثباتی مفروطی را بر این کشور حاکم کرده است که وضعیت کنونی در ادامه چنین روندی است.

آقای کلانتری توجه به همه اقشار جامعه و توزیع امکانات مساوی میان استان‌ها و اجرای سیاست‌های مردم مدار، تمرکز زدایی و اعطای اختیارات به مقامات محلی، توجه به واقعیات سیاسی و فرهنگی جامعه افغانستان با توجه تحولات سال‌های اخیر، توجه به انتخابات آتی ریاست جمهوری افغانستان در ۲۰ آگوست ۲۰۰۹، لزوم برخورد جدی به مبارزه با مواد مخدر و جلوگیری از حمایت‌های سوداگرانه برخی عوامل دولتی با قاچاقچیان مواد مخدر، لزوم اجرای تعهدات کشورها در امر بازسازی افغانستان و اجرای

پروژه‌های الویت دار از طریق هماهنگی سیاست‌های مربوط به بازسازی در سطح محلی و کشوری، افزایش توان دولت در نظارت دقیق‌تر به کمک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در امر بازسازی افغانستان، توجه جدی به همکاری‌های منطقه‌ای و ظرفیت‌های کشورهای منطقه در کمک به حل و فصل معضلات افغانستان و ملاحظات مشروع آنها، قطع حمایت‌های مالی از طالبان و القاعده از سوی برخی کشورهای عربی را از مهمترین راهکارهای حل مسائل افغانستان دانست.

همچنین در تشریح دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران عنوان شد که جمهوری اسلامی ایران خواهان ثبات و امنیت در افغانستان و پاکستان می‌باشد و از هر حرکت مثبتی در این راستا حمایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران بر اساس توافقات بن، اهتمام خود را برای کمک به دولت قانونی این کشور به کار بسته است. عمل به تعهدات خود در بازسازی افغانستان موید چنین نگاهی است. جمهوری اسلامی ایران آماده ادامه کمک به ثبات سازی در افغانستان در قالبی نظام‌مند و دوسویه است. مصون ماندن از تهدیدات امنیتی ناشی از تروریسم و افراط‌گرایی در افغانستان، نیازمند همکاری نهادینه کشورهای منطقه می‌باشد. ایران و روسیه ظرفیت خوبی برای همکاری در این بخش دارند.

آخرین جلسه میزگرد به بررسی روابط دو جانبه ایران و روسیه اختصاص داشت که ابتدا آقای محمود صدیقی رئیس اداره اول مشترک المنافع اظهار داشت در دهه‌های اخیر علی‌رغم فراز و نشیب‌ها، روابط دو کشور رو به بهبود بوده است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و اتخاذ سیاست مستقل دو دستاورد داشت. یعنی از یک طرف مانع نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای در حوزه جنوبی روسیه شد و از سوی دیگر سیاست مستقل در بطن خود موجبات روابط گسترده و همه جانبه با همسایه شمالی را فراهم نمود.

فروپاشی شوروی زمینه‌های همکاری دو جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و همچنین همکاری مشترک چند جانبه را در دریای خزر و قفقاز و آسیای میانه و افغانستان بوجود آورد و روابط مسکو و تهران را هم در وسعت رایزنی‌های سیاسی و رشد مبادلات اقتصادی و تکنولوژی متحول کرد و هم باعث همکاری متقابل سودمند در ارتباط با تاجیکستان و دریای خزر شد. هرچند در آن دوره بخاطر وضعیت خاص روسیه، شاهد بعضی تأثیرات سیاست‌های غرب از جمله موافقتنامه گور-چرنومردین در سال ۱۹۹۵ هستیم.

تدوین سیاست خارجی روسیه تحت عنوان "مفهوم نوین سیاست خارجی" و تنظیم رفتار سیاست خارجی روسیه بر اساس عنصر منافع ملی در بازبانی ارتقاء جایگاه مناسبات ایران و روسیه و همچنین نگاه صحیح به منافع فی‌مابین، تاثیرگذار بوده است. این نگاه و نگرش باعث گردید که رایزنی‌های سیاسی خوبی بین دو کشور در همه ابعاد بوجود بیاید که نقطه اوج آن سفر جناب آقای پوتین و برگزاری اجلاس سران کشورهای حاشیه دریای خزر در ایران بود و به صدور بیانیه تهران انجامید که از اهمیت فراوانی برخوردار بود. اشتراک نظر در امنیت دریای خزر، عضویت ناضر ایران در شانگهای، امضاء سند درازمدت همکاری‌ها و تبادل هیات‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی پس از این تحولات چشم انداز مثبتی را در مناسبات دو کشور گشوده است. هماهنگی و همکاری در سطح بین‌المللی از جمله حقوق بشر، خلع سلاح، جهانی چند قطبی، حل و فصل چالش‌ها به طور عادلانه و از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز، تغییر وضعیت فعلی در حاکمیت مالی در جهان با توجه به وضعیت اخیر و بسیاری از موضوعات دیگر هماهنگی و تعامل دو کشور را در امور جهانی نشانه آن است. البته بعضی مواضع هماهنگ روسیه با غرب در خصوص فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران و رای مثبت به قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ و پیش قدمی در ارائه و تصویب قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت تاثیرات منفی بر این تعاملات داشته است.

اگرچه مبادلات اقتصادی دو کشور به رقم سه میلیارد و سیصد میلیون دلار رسیده است اما ظرفیت‌های فراوان زیادی با توافقات و قراردادهای مقامات اقتصادی و تجاری و نظامی به وجود آمده است که می‌تواند حجم مبادلات تجاری و تکنولوژی را بیش از پیش افزایش دهد. ایران در حال حاضر با چین قریب ۲۰ میلیارد تبادلات تجاری دارد و پروژه‌های زیادی از سوی شرکت‌های چینی در حال انجام است. عدم تحقق به موقع پروژه‌ها و قراردادهای از طرف شرکت‌های روسی و بعضاً اتصال آنها به مسایل سیاسی یکی از موانع رشد برای مبادلات و همکاری‌ها بوده است.

با عنایت به مطالب فوق و با استفاده از تجربه گذشته، در شرایط فعلی ضروری است دو کشور بیش از گذشته با بازشناسایی حوزه‌های منافع مشترک و موازی فی‌مابین، زمینه‌های همکاری دو جانبه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی را باز تعریف و نقشه راه توسعه بلند مدت و بنیادی را تدوین نمایند.

سیاست نظام جمهوری اسلامی ایران، توسعه همه جانبه روابط در جهت منافع دو کشور و استفاده از ظرفیت‌های استفاده نشده است. تاریخ گذشته و عصر حاضر نشان می‌دهد که توجه به نظرات عنصر ثالث در تنظیم مناسبات فی‌مابین نه تنها منجر به توسعه و تعمیق روابط نشده، بلکه نقشی مخرب ایفا کرده است. رشد مبادلات سیاسی و اقتصادی و تجاری و ارتقاء همکاری‌های تکنولوژی و دفاعی مستلزم آن است که تفاهمات و موافقتنامه‌ها رنگ سیاسی نگیرد و صرفاً در چارچوب منافع ایران و روسیه به آن نگاه شود. ایران و روسیه نگرانی‌ها و دغدغه‌های مشترکی در خصوص نفوذ و حضور قدرت‌های فراملتی به مرزها و محیط امنیتی خود در قفقاز، افغانستان، دریای خزر و آسیای مرکزی دارند و دو کشور دارای انطباق منافع در این مناطق هستند. روسیه و ایران قربانی تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جنایت‌های سازمان یافته و افراط‌گرایی هستند. همکاری دو جانبه و چند جانبه در قالب شانگهای و دیگر اتحادیه‌های منطقه‌ای و همچنین گسترش علایق فرهنگی از جمله گفتگوی بین ادیان اسلام و ارتدوکس مفید و سازنده خواهد بود. گرایش مذهبی ایران با خصوصیت و ویژگی تسامح و همزیستی ادیان و اقوام و نفی هرگونه افراط و تندروی، می‌تواند به عنوان پایه و اساس محکمی برای ایجاد آرامش و امنیت و گسترش تفکر همزیستی مسالمت‌آمیز باشد.

نقش مراکز مطالعاتی و کانون‌های اندیشه دو کشور در بسترسازی، توسعه و تعمیق روابط فی‌مابین را نباید نادیده گرفت. ضرورت دارد این مراکز و کانون‌ها بیش از گذشته در راستای توسعه و تعمیق مناسبات فی‌مابین فعال شوند و طرح‌ها و پیشنهادات خود را ارائه دهند.

سخنران آخر میزگرد، آقای آفونتسوف بود که به موضوع تجارت روسیه با ایران، روندها و چشم انداز آن اشاره نمود. وی اظهار داشت که سه عامل در روابط موثر است. دو عامل مثبت که به روسیه بستگی دارد و عامل سوم بحران بین‌المللی است که منفی می‌باشد. عامل مثبت اول بحث اوپک گازی است که موجب تامین منافع دو کشور ایران و روسیه می‌شود. مسئله بعد اتمام نیروگاه هسته‌ای بوشهر است که اگرچه تاخیر شده است و دلیل آن وضعیت مبهم روابط از جمله مسئله هسته‌ای ایران بود. روسیه عاقلانه با موضوع برخورد کرد و عجله به خرج نداد لکن اکنون باید عقب‌ماندگی را جبران نمود. اکنون ما به آنچه خواسته‌ایم دست پیدا کرده‌ایم.

آقای آفونتسوف با ارائه آمار متعدد در تشریح حجم روابط تجاری ایران و روسیه گفت عامل بعدی، بحران جهانی مالی است که ضربه شدیدی به اقتصاد روسیه وارد کرده است البته تجارت ایران و روسیه را زیاد تحت تاثیر قرار نداده است. وی مشکلات و عوامل بازدارنده در روابط اقتصادی ایران و روسیه را عامل سیاسی و محدود شدن انگیزه شرکت‌های روسی برای فعالیت در ایران از یک سو و عامل کشورهای همسایه مستقل مشترک المنافع و چین از سوی دیگر دانست.

باید از روابط تجاری حداکثر استفاده را نمود. پیشنهادهایی در این خصوص وجود دارد؛ در مرحله اول توسعه زیرساخت‌های تجارت خارجی، تقویت کریدور حمل و نقل فراخزری، برداشتن مشکلات اداری جهت تقویت صادرات ایران به روسیه می‌باشد. مرحله دوم در روابط دو جانبه بیشتر مربوط به ارزیابی ظرفیت‌های تجاری است. یعنی باید دید کالاهای دو کشور چقدر رقابت‌پذیرند. در این زمینه باید فعالیت نماییم و مشکلات را حل کنیم. مرحله سوم، رفع فشارهای خارجی بر دو کشور است. شرایط برای توسعه روابط خارجی دو کشور مهم است.

در پایان همایش، سوالات متعددی از سوی حضار در خصوص برنامه هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران، موضع ایران در قبال پیشنهاد روسیه مبنی بر غنی سازی مشترک اورانیوم، روابط ایران و کشورهای ۱+۵، مسایل افغانستان، روابط ایران و آمریکا مطرح شد که پاسخ متقاضی داده شد.

*امیر رضائی*

*گروه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*